

## خطا در قربانی جنایت

نویسنده: حسام قبانچی\*

**چکیده:** خطا در قربانی جنایت، از جمله مسائل مهمی است که هم از حیث عنوان و هم از حیث جایگاه و حکم، مورد اختلاف حقوقدانان کشورهای مختلف است. با وجود این به نظر می‌رسد که مناسبترین جایگاه برای بررسی آن، عنصر اراده به عنوان یکی از دو عنصر قصد مجرمانه است. از حیث حکم مسأله، بسیاری از حقوقدانان و نیز رویه قضائی برخی کشورها جنایت علیه ثالث (در فرض مورد بحث) را جنایتی عمدی می‌دانند. در مقابل، بیشتر فقهای مذاهب مختلف اسلامی، این جنایت را ماهیتاً خطای محض به شمار آورده‌اند. قانونگذار پیش از انقلاب، به هیچ وجه متعرض این مسأله نشده بود اما پس از انقلاب، مقنن سال ۱۳۶۲ به طور ضمنی و قانونگذار سال ۱۳۷۰ آشکاراً جنایت علیه ثالث را ماهیتاً خطای محض به شمار آورده‌اند اما از حیث نوع و اکتش، مقنن سال ۱۳۷۰ با وضع قاعده‌ای کلی در تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، این جنایت را در حکم شبه عمد دانست. با وجود این به نظر می‌رسد در برخی موارد، جنایت ارتكابی، ماهیتاً عمدی و مشمول ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی باشد.

کلید واژه‌ها: اشتباه در شخص، اشتباه در تیراندازی، اشتباه، اشتباه در مجنی علیه.

## پیش‌گفتار:

یکی از مسائل مهم در جرائم علیه جسم و جان (که در اصطلاح فقهی<sup>(۱)</sup> و قانون مجازات اسلامی<sup>(۲)</sup>)، جنایت نامیده می‌شوند) خطای در قربانی جنایت است. مراد از حالت یاد شده این است که جانی به قصد ارتکاب جنایت علیه شخص یا اشخاص معینی مرتکب رفتاری شود اما رفتار ارتكابی، به جای شخص مورد نظر، علیه شخص دیگری واقع شده و صدمه‌ای به جسم و جان وی وارد سازد و یا اینکه رفتار ارتكابی علاوه بر شخص مورد نظر، علیه شخص دیگری نیز واقع شده و به جسم و جان وی آسیب رساند.

امروزه کمتر می‌توان کتابی از کتابهای حقوق جزای عمومی یا جرائم علیه اشخاص را یافت که به بررسی این موضوع نپرداخته باشد. علاوه بر کتابهای یاد شده، مقالات متعددی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند؛ دادگاهها به کرات با چنین پرونده‌هایی مواجه شده رأی صادر کرده‌اند. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز به عنوان مرجعی برای پاسخگویی به پرسشهای حقوقی قضات، به این چالش علمی فراخوانده شده و در کنار تمام اینها و علی‌رغم بحثهایی که در کتابهای فقهی در خصوص موضوع وجود داشته و دارد، در سالهای اخیر، فقها بارها ناچار به ارائه دیدگاههای خود نسبت به موضوع شده‌اند. مجموع این امور - که به آنها خواهیم پرداخت - نشان از اهمیت موضوع و اهتمام فراوان جامعه حقوقی به حل علمی آن دارد.

در بررسی این موضوع، دو مشکل فراروی هر محقق وجود خواهد داشت. یکی از آن دو، عنوان مسأله است که در کتابها و مقالات به صور مختلفی ذکر شده

۱. ر.ک: مقدس اردبیلی (احمد)، *زبدة الیان فی احکام القرآن*، تهران، المکتبة المرتضویه، صص ۶۶۶ تا ۶۸۲؛ فاضل مقداد، (مقداد بن عبدالله)، *کنز المرئان*، تهران، المکتبة المرتضویه، ۱۳۴۳، ج ۲، صص ۳۵۳ تا ۳۷۵؛ فیض کاشانی. (مولی محسن)، *مفاتیح الشرائع*، قم مجمع الذخائر الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۰۱ ق، ج ۲، صص ۲۱۴ تا ۲۳۴؛ شهید ثانی (زین‌الدین عاملی)، *مسالك الاتهام*، قم، دارالهدی، چاپ سنگی، ج ۲، صص ۱۱۰ تا ۱۱۲ و ۱۲۳.

۲. ر.ک: مواد ۲۱۴، ۲۷۲، ۲۷۷، ۲۷۹، ۳۱۸ و ۳۲۳ قانون مجازات اسلامی.

است. برخی آن را «اشتباه در شخص»<sup>(۱)</sup>، برخی «اشتباه روش شخص مجنی علیه»<sup>(۲)</sup>، برخی «اشتباه در تشخیص مجنی علیه یا هویت او»<sup>(۳)</sup>، برخی «اشتباه در موضوع»<sup>(۴)</sup> و برخی «اشتباه در شخص یا اشتباه در هویت و شخصیت مجنی علیه یا اشتباه در هدف»<sup>(۵)</sup> نامیده‌اند. برخی هم ذیل دو عنوان «اشتباه شخص مجنی علیه»<sup>(۶)</sup> و «اشتباه در هدف‌گیری»<sup>(۷)</sup> به بررسی موضوع پرداخته‌اند. روشن است که این تعدد عناوین می‌تواند موجب سردرگمی خواننده گردد. افزون بر این، برخی از عناوین یاد شده تصور نادرستی از مسأله را در ذهن خواننده پدید می‌آورند. به طور مثال، عنوان «اشتباه در هویت و شخصیت مجنی علیه» در برخی کتابها<sup>(۸)</sup> برای حالتی به کار رفته که در آن، جانی تصور غلطی از هویت قربانی جنایت داشته و به همین دلیل، رفتار مجرمانه را علیه وی مرتکب می‌گردد. مسلماً اطلاق یک عنوان به دو حالت متفاوت می‌تواند حداقل نسبت به خواننده‌ای که برای اولین بار با موضوع آشنا می‌شود گیج کننده باشد. برخی از عناوین، همچون «اشتباه در هدف» و «اشتباه در هدف‌گیری» ممکن است این تصور را در ذهن خواننده ایجاد کند که مسأله، مختص حالتی است که جنایت از طریق تیراندازی صورت گرفته باشد حال آنکه ممکن است واقعه به

۱. افراسیابی (محمد اسماعیل)، **حقوق جزای عمومی**، ج ۱، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۳۱۷ - صالح ولیدی (محمد)، **حقوق جزای عمومی**، ج ۳، تهران، نشر داد، چاپ اول، ۱۳۷۳، صص ۲۲۸ و ۲۲۹ - صادقی (محمد هادی)، **جرایم علیه اشخاص**، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۲۱۸ - همچنین: عوده (عبدالقادر)، **التشریح الجنائی الاسلامی**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۸۸ - ابو عامر، محمد زکی، **قانون العقوبات: القسم العام**، الدار الجامعیة، ۱۹۹۲، ص ۱۸۹.
۲. نوربها (رضا) **زمینه حقوق جزای عمومی**، تهران، کانون وکلای دادگستری، چاپ دوم، ۱۳۷۵، صص ۳۴۸ و ۳۴۹.
۳. محسنی (مرتضی)، **دوره حقوق جزای عمومی**، ج ۲، تهران، گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۲۲۳.
۴. محمد عوض (عوض)، **قانون العقوبات: القسم العام**، اسکندریه، دارالمطبوعات، ص ۲۳۷.
۵. گلدرزبان (ایرج)، **بایسته‌های حقوق جزای عمومی**، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۳۰۰ و ۳۰۳.
۶. زارعت (عباس)، **شرح قانون مجازات اسلامی: بخش قصاص**، تهران، ققنوس، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۶۲.
۷. همان، ص ۶۳.
۸. گلدرزبان (ایرج)، همان، ص ۳۰۰.

صورت مسموم کردن یا ضربه با چوب یا پرتاب مواد آتش‌زا یا غیر آن باشد. علاوه بر اینها به کارگیری اصطلاح «اشتباه» برای حالت مورد بحث، چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. زیرا در مفهوم دقیق علمی، اشتباه به معنای «عدم تطابق انعکاسهای ذهنی با واقعیتهای عینی»<sup>(۱)</sup> است و در اصطلاح حقوق جزا نیز حقوقدانان همین معنی را پذیرفته‌اند.<sup>(۲)</sup> حال آنکه مسأله مورد بحث، بیش از آنکه به تصورات جانی ارتباط داشته باشد با اراده وی مرتبط است. بر همین اساس برای این مقاله عنوان «خطای در قربانی جنایت» برگزیده شد تا هم از حالت اشتباه در هويت قربانی متمایز شود و هم مصادیق مسأله منحصر به حالت تیراندازی نشده باشد.

دومین مشکل، مربوط به جایگاه موضوع است. گروهی از حقوقدانان<sup>(۳)</sup>، مناسبترین جایگاه آن را «مسئولیت کیفری» دانسته‌اند و گروهی دیگر<sup>(۴)</sup>، در بحث «علم» به عنوان یکی از عناصر رکن معنوی، به بررسی موضوع پرداخته‌اند. واقعیت این است که مسأله مورد بحث پیش از اینکه به مسئولیت کیفری مرتبط باشد، به رکن معنوی جرم وابسته است و با توجه به آنچه در معرفی مسأله گفته شد بیش از

۱. رستمی (م)، *علم اشتباه‌شناسی*، مشهد: انتشارات توس، ۱۳۵۰، ص ۶.

2. Jean Radulsko, de L'influence de L'erreur sur La responsabilité pénal (1923), p. 10; André Francon, L'erreur en droit pénal, Quelques aspects de L'autonomie de droit pénal, direction de Gaston stefani (1956), p. 228.

نقل از: حسینی، محمود نجیب، *شرح قانون العقوبات: القسم العام*، قاهره، دارالنهضة العربیه، چاپ ششم، ۱۹۸۹، ص ۵۹۱.

۳. ر.ک: گل‌دورزان (ابرج)، همان، صص ۳۰۰ تا ۳۰۳ - صالح ولیدی، همان، ج ۳، ص ۲۲۸ - توریها (رضا)، همان، ص ۳۲۸ - شامبیانی (هرشنگ)، *حقوق جزای عمومی*، ج ۲، تهران، پازنگ، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۱۰۲ - اردبیلی (محمدعلی)، *حقوق جزای عمومی*، ج ۲، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۰۴.

۴. ر.ک: محمدعوض (عوض)، همان، صص ۲۳۰ تا ۲۴۳ - نجیب حسینی (محمود)، همان، صص ۵۸۲ تا ۵۹۸؛ عالیه (سمیر)، *قانون العقوبات: القسم العام*، ج ۱، بیروت، المؤسسة الجامعیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۳۸؛ ابو‌عمر (محمد زکی)، همان، ص ۱۸۹؛ ربیع (حسن محمد)، *شرح قانون العقوبات الاتحادی*، ج ۱، دبی، کلبه الشرطه، ۱۴۱۳ ق، صص ۲۹۴ تا ۲۹۹؛ حومد (عبدالوهاب)، *الوسیط فی شرح القانون الجزائی الکویتی: القسم العام*، کویت، جامعه الکویت، چاپ سوم، ۱۹۸۷، صص ۱۰۰ تا ۱۰۷؛ النیراوی (محمدسامی)، *شرح الاحکام العامه القانون العقوبات اللیبی*، بنغازی، جامعه قاریونس، چاپ سوم، ۱۹۹۵، صص ۱۶۹ تا ۱۷۲.

آنکه به عنصر «علم» مرتبط باشد با عنصر «اراده» مرتبط است. بر همین مبنا و برای توضیح بهتر مسأله ابتدا به بررسی مختصر جایگاه عنصر اراده در رکن معنوی خواهیم پرداخت و سپس برای کاملتر شدن بحث، به طرح دکترین و رویه قضائی ایران، دکترین و رویه قضائی برخی کشورها، دیدگاههای فقیهان و نهایتاً دیدگاه قانونگذار کشورمان خواهیم پرداخت.

### گفتار یکم: جایگاه اراده در رکن معنوی

رکن معنوی جرائم، دو صورت عمده دارد. یک صورت آن، عمد یا قصد مجرمانه است و دیگری خطا. بر همین مبنا جرائم نیز به دو دسته عمدی و غیرعمدی یا خطئی تقسیم شده‌اند. قصد مجرمانه از دو عنصر تشکیل می‌شود: علم و اراده<sup>(۱)</sup>. این دو عنصر در هر دو صورت رکن معنوی، یعنی هم در قصد مجرمانه و هم در خطا وجود دارد. با وجود این، حدود و قلمرو آنها در جرائم عمدی و خطئی متفاوت است. در جرائم عمدی، مجرم، نسبت به تمامی اجزای رکن مادی، هم علم دارد و هم اراده؛ اما در حالت خطا، علم و اراده وی فقط بخشی از این اجزا را در برگرفته و نسبت به بقیه اجزا، مجرم صرفاً احتمال تحقق آن را می‌دهد و یا اینکه هنگام ارتکاب رفتار بایست احتمال تحقق آنها را می‌داد.<sup>(۲)</sup>

۱. محمدعوض (عوض)، همان، ص ۲۱۵؛ نجیب حسنی (محمود)، همان، ص ۵۸۲؛ ابوعامر محمدزکی همان، ص ۱۷۸؛ عالیه (سمیر)، همان، ص ۲۳۶؛ النبرای، همان، ص ۱۷۰؛ ربیع؛ حسن محمد، همان، ص ۲۸۲؛ حومد، عبدالوهاب، همان، صص ۹۳ و ۱۱۰؛ الفهوجی (علی عبدالقادر)، *قانون العقوبات: القسم العام*، بیروت، الدار الجامعیه، ۱۹۸۸، ص ۲۱۷؛ استانبولی، ادیب، *شرح قانون العقوبات*، المکتبه القانونیه، دمشق، چاپ دوم، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۲۸۲.

برخی مؤلفان کشورمان، در بحث قصد مجرمانه، فقط اراده را آورده‌اند اما در بحث اشتباه جهل را موجب انتفای قصد مجرمانه دانسته‌اند. از جمله: محسنی (مرنضی)، همان، ج ۲، صص ۲۱۲، ۲۱۳ و ۲۳۵؛ گلدوزیان (ایرج)، همان، صص ۲۰۵ تا ۲۰۸ و ۳۰۱؛ صانعی (پرویز)، *حقوق جزای عمومی*، ج ۱، تهران، دانشگاه ملی، چاپ سوم، ۱۳۵۵، ص ۳۰۵ و ج ۲، ص ۶۵؛ شامیانی (مروشنگ)، همان، ج ۲، صص ۳۶۳ و ۳۷۰ و ج ۲، صص ۱۰۰ تا ۱۰۴.

2. Jacques Bernard Herzog, La prévention des infractions involontaires contre la vie et L'intégrité de la personne humaine, in "La prévention des infractions"

اراده، فعالیت‌های روانی است که در راستای تحقق بخشیدن به یک هدف و با استفاده از وسیله معینی صورت می‌پذیرد. این فعالیت روانی، از ادراک و هشیاری انسان سرچشمه می‌گیرد. لذا نیازمند علم به هدف و وسیله‌ای است که برای رسیدن به آن هدف به کار می‌گیرد.<sup>(۱)</sup> اراده، جوهر قصد و بارزترین عنصر آن است زیرا از دید عامه مردم، قصد یا عمد عبارت است از جهت یافتن اراده در راستای تحقق بخشیدن به امری معین؛ و چنانچه این قصد به امر مجرمانه‌ای تعلق گرفته باشد، قصد مجرمانه نامیده خواهد شد.<sup>(۲)</sup>

برای اینکه پدیده مجرمانه‌ای عمدی به شمار آید باید اراده فاعل، به رفتار مجرمانه تعلق گرفته باشد و چنانچه جرم، از جمله جرائم مقید به نتیجه باشد باید اراده، به نتیجه نیز تعلق گیرد.<sup>(۳)</sup> اراده، دو مرحله دارد. مرحله اول، انتخاب راه و وسیله رسیدن به هدف است و مرحله دوم، حکومت بر اعضای جسم تا زمان رسیدن به هدف. به عنوان مثال در جرم قتل، اراده شخص به سلب حیات دیگری تعلق گرفته و ممکن است که جانی، خفه کردن را به عنوان وسیله‌ای برای تحقق بخشیدن هدف خود انتخاب کند. لذا به اعضای جسم دستور می‌دهد که در راستای این هدف و با این وسیله حرکت کنند اما فعالیت اراده به اینجا ختم نخواهد شد بلکه تا اتمام کار مورد نظر، بر اعضای جسم، چیره خواهد ماند.<sup>(۴)</sup>

در خصوص اینکه نتیجه مجرمانه در چه مواردی ارادی خواهد بود نسبت به

← involontaires contre la vie et L'integrité de la personne humaine, in "La prévention des infractions contre la vie humaine et L'intégrité de la personne, vol. 1 (1950), p. 217.

نقل از: نجیب حسینی (محمود)، همان، ص ۵۷۷.

1. Sauer, Kriminologie, S. 3, S. 22.

نقل از: نجیب حسینی (محمود)، همان، ص ۶۰۸.

۲. محمدعوض (عوض)، همان، صص ۲۱۵ و ۲۱۶.

۳. همان، ص ۲۱۶.

۴. همان، صص ۲۱۷ و ۲۱۸.

برخی مصادیق، بین حقوقدانان اتفاق نظر وجود ندارد<sup>(۱)</sup>. برای حل این اختلاف، معیارهای متفاوتی از سوی حقوقدانان ارائه شده است که به نظر می‌رسد قابل قبولترین آنها معیار «رضایت به تحقق نتیجه» و یا «قبول» آن باشد. بدین معنی که هرچه را مجرم پذیرفته و یا به تحقق آن راضی باشد «ارادی» خواهد بود و در غیر این صورت، «غیرارادی»<sup>(۲)</sup>. طبق این معیار، در دو حالت، نتیجه غیرارادی خواهد بود. یکی آنکه فاعل به هیچ وجه انتظار تحقق آن نتیجه را نداشته باشد و دوم آنکه نتیجه را به عنوان یک امر ممکن یا محتمل پیش‌بینی کند اما هنگام ارتکاب رفتار، با توجه به شرایط عام یا خاص موجود، وقوع آن را محال بداند<sup>(۳)</sup>.

### گفتار دوم: دکترین و رویه قضائی ایران

در حقوق ایران، سه دیدگاه در خصوص مسأله مورد بحث مشاهده می‌شود. طبق یک دیدگاه، چنانچه کسی به قصد قتل دیگری به سمت او تیراندازی کند اما تیر به شخص ثالثی اصابت کند قتل این شخص، عمدی خواهد بود. این دیدگاه، هم بین حقوقدانان<sup>(۴)</sup> و رویه قضائی<sup>(۵)</sup> پیش از انقلاب رواج داشت و هم بین مؤلفین پس از انقلاب، طرفدارانی<sup>(۶)</sup> دارد. در تأیید دیدگاه مزبور گفته شده که در این فرض، یک عمد و یک اراده مجرمانه وجود داشته و یک نتیجه هم از این عمد به وجود آمده است و از آنجا که نتیجه به دست آمده (قتل) محصول همان عمد و اراده

۱. همان، ص ۲۲۰.

۲. همان، صص ۲۲۱ و ۲۲۲.

۳. همان، ص ۲۲۳.

۴. صدارت (علی)، **حقوق جزا و جرم‌شناسی**، تهران، کانون معرفت، ۱۳۴۰، ص ۲۳۲؛ معتمد (محمدعلی)،

**حقوق جزای عمومی**، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۵۱، ص ۲۸۰؛ محسنی (مرتضی)،

همان، ج ۲، ص ۲۳۴.

۵. دادنامه ۱۰۱۶۱ و ۱۸۰۰-۱۶/۸/۵-م ۱۰ ص ۱۳۱۷ شعبه دوم و دادنامه شماره ۱۴۴۱-۱۳۱۷/۶/۲۱-م

۶ ص ۱۳۱۸ شعبه پنجم دیوانعالی کشور. نقل از: امین پور (محمدتقی)، **قانون کیفر همگانی و آراء دیرانسانی**

کشور، شرکت سهامی چاپ، ۱۳۳۰، صص ۹۲ و ۹۹.

۶. افراسیابی (محمداسماعیل)، همان، ج ۱، ص ۳۱۷؛ گلدوزیان (ایرج)، همان، ص ۳۰۴؛ شامبیانی

(هوشنگ)، همان، ج ۲، ص ۱۰.

مجرمانه است، خطای پیش آمده نباید موجب تغییر عنوان قانونی جرم گردد.<sup>(۱)</sup> به نظر می‌رسد که این دیدگاه، مبتنی بر یک مغالطه بوده و طرفداران آن، واقعیتی را نادیده گرفته‌اند. واقعیت مذکور این است که جانی نه قصد قتل شخص ثالث را داشته و نه قصد ارتکاب رفتار، علیه وی را. بدین ترتیب، عناصر قصد مجرمانه قتل در خصوص این قربانی، منتفی خواهد بود.

طبق دیدگاهی دیگر باید بین دو فرض، قائل به تفکیک شد. فرض اول اینکه ارتکاب عمل علیه موضوع مورد نظر فاعل، برای وی مشروع بوده باشد. در این صورت، جنایت واقع شده علیه شخص ثالث، غیر عمدی خواهد بود. فرض دوم اینکه ارتکاب عمل علیه موضوع مورد نظر فاعل، نامشروع باشد. در این صورت، جنایت ارتكابی نسبت به شخص ثالث، عمدی خواهد بود.<sup>(۲)</sup> دلیل این دیدگاه را ملاحظات عقلی و اجتماعی دانسته‌اند<sup>(۳)</sup>. همچنین در تأیید آن گفته شده که فاعل، در فعل خود عاقد بوده و در جرائم عمد، اصل باید بر این باشد که تمام نتایج خواسته و ناخواسته فعل به حساب فاعل منظور شود.<sup>(۴)</sup>

این دیدگاه نیز از جهاتی قابل نقد به نظر می‌رسد. اولاً با فرض وجود ملاحظات عقلی و اجتماعی، این ملاحظات باید در حدی که با واقعیات انطباق دارد مورد توجه و عمل قرار گیرند. حال آنکه در نقد دیدگاه پیشین دیدیم که واقعیت، نافی قصد قتل نسبت به شخص ثالث است. علاوه بر این، ملاحظات مزبور زمانی قابل قبول خواهند بود که خلاف عدالت هم نباشند، حال آنکه طبق دیدگاه مزبور باید

۱. محسنی (مرتضی)، همان، ج ۲، ص ۲۳۲.

۲. آزمایش (علی)، نقل از دلیر (حمید)، «بحثی پیرامون ماده ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی»، *مجله قضایی و حقوقی دادگستری*، پاییز ۱۳۷۱، شماره پنجم، ص ۱۱۷-۱۱۸. اردبیلی (محمدعلی)، همان، ج ۲، ص ۱۰۴-۱۰۵. شامیانی (هوشنگ)، *حقوق کیفری اختصاصی*، ج ۱، تهران، ویستار، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۱۵۷؛ نوری (رضا) «مجازات قتل در نتیجه تیراندازی چیست»، *مجله قضایی و حقوقی دادگستری*، پاییز ۱۳۷۳، شماره ۱۲، ص ۷۴؛ زراعت (عباس)، همان، صص ۶۲ و ۶۳؛ صالح ولیدی (محمد)، *حقوق جزای اختصاصی*، ج ۲، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۶، ص ۲۱۳.

۳. اردبیلی (محمدعلی)، همان.

۴. همان.



کسی را که نه قصد قتل شخص ثالث را داشته و نه حتی قصد ارتکاب رفتار، به عنوان قاتل عمدی، مورد مجازات قرار داد!

ثانیاً اصل مورد ادعا یعنی تحمیل تمام نتایج خواسته و ناخواسته فعل به فاعل، نتایجی غیر قابل قبول را در پی خواهد داشت. به عنوان مثال، شخصی به قصد قتل یک موتور سوار، وی را با خودرو مصدوم می‌نماید و در اثر این کار، فقط پای موتور سوار می‌شکند اما هنگام انتقال به بیمارستان، کامیونی با آمبولانس تصادف کرده و تمامی سرنشینان آمبولانس کشته می‌شوند. طبق اصل مزبور باید ضارب را قاتل عمدی تمامی سرنشینان آمبولانس دانست. مسلماً چنین نتیجه‌ای خلاف عقل و فطرت سلیم می‌باشد.

ثالثاً این دیدگاه با معیارهای قانونی هم تعارض دارد زیرا طبق تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، در فرض تصور مشروعیت عمل ارتكابی، جنایت را غیر عمدی قلمداد نکرده بلکه جنایت ارتكابی را ماهیثاً عمدی دانسته و صرفاً به جای واکنش جنایات عمدی، واکنش پیش‌بینی شده برای جنایات شبه عمد را قابل اجرا دانسته است. علاوه بر تمام اینها دیدگاه یاد شده با ماده ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی (که [تفکیکی بین صورت‌های مسأله قاتل نشد و] توضیح آن خواهد آمد) تعارض آشکار دارد.

طبق دیدگاه سوم، در فرض مورد بحث، جنایت ارتكابی، از نوع خطای محض خواهد بود.<sup>(۱)</sup> مستند این دیدگاه را ماده ۲۹۶ قانون مجازات اسلامی دانسته‌اند<sup>(۲)</sup> که مقرر داشته «در مواردی هم که کسی قصد تیراندازی به کسی یا شیئی یا حیوانی را داشته باشد و تیر او به انسان بی‌گناه دیگری اصابت کند عمل او خطای محض محسوب می‌شود». اداره حقوقی قوه قضائیه نیز در نظریه مشورتی‌ای که در تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۷ صادر نموده همین دیدگاه را پذیرفته است<sup>(۳)</sup>. نسبت به قربانی مورد

۱. نورها (رضا)، همان، ص ۳۴۹؛ صادقی (محمدهادی)، همان، ص ۲۱۸؛ دلیر (حمید)، همان، ص ۱۲۴.

۲. همان منابع.

۳. شهری (غلامرضا) و جهرمی (ستوده)، سرودش، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل

کیفری: از سال ۵۸ تا ۷۱، روزنامه رسمی کشور، تهران، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۰۴، نظریه ۷/۴۶۵۹  
۱۳۷۱/۱۰/۱۷

نظر جانی، چنانچه کشته نشده باشد به اعتقاد برخی طرفداران این دیدگاه، جرم ارتكابی علیه وی، شروع به قتل خواهد بود<sup>(۱)</sup>. البته یکی از شارحان قانون مجازات اسلامی، این دیدگاه را خلاف مقررات شروع به جرم در قوانین موضوعه کنونی دانسته است<sup>(۲)</sup>. با وجود این صرف نظر از اینکه واقعیات حقوقی موجود، مؤید شروع به قتل بودن عمل ارتكابی است، شارح مزبور دلیلی در تأیید دیدگاه خود ارائه نکرده است.

### گفتار سوم: دکترین و رویه قضائی برخی کشورها

حقوقدانان برخی کشورهای عربی معمولاً بین فرض تباین و فرض همانندی دو موضوع جرم فائل به تفکیک شده‌اند. ما نیز برای سهولت فهم مطالب، دیدگاههای مطرح شده را با همین تفکیک، پیگیری خواهیم کرد.

#### ۱. حالت تباین دو موضوع

مراد از تباین، حالتی است که دو موضوع، شبیه به یکدیگر نباشند<sup>(۳)</sup>. به عنوان مثال، کسی به قصد کشتن حیوان متعلق به دیگری به سوی آن تیراندازی می‌کند ولی تیر، پس از اصابت به حیوان، به انسانی که از آنجا می‌گذشته نیز اصابت می‌کند. مثال دیگر آنکه شخصی به قصد آتش زدن منزل متعلق به غیر، شیئی مشتعل را به سوی آن پرت کند اما آن شیئی به شاخه درخت برخورد کرده و بر روی شخصی که از آنجا می‌گذشته بیفتد و او را بسوزاند. دیدگاه غالب حقوقدانان کشورهای یاد شده این است که فاعل، [به حسب مورد می‌تواند] نسبت به دو جرم، مسئول شناخته شود که یکی از آن دو عمد و دیگری جرمی غیرعمدی است<sup>(۴)</sup>. جرمی که مورد نظر مجرم بوده جرمی عمودی به شمار خواهد آمد (البته ممکن است این جرم به صورت جرم

۱. ر.ک: دلیر (حمید)، همان، ص ۱۱۶.

۲. زراعت (عباس)، همان، ص ۶۴.

۳. محمد عوض (عوض)، همان، ص ۲۳۸.

۴. ر.ک: همان، ص ۲۹۳؛ ابوعامر (محمملزکی)، همان، ص ۱۹۳؛ نجیب حسنی (محمود)، همان، ص ۵۹۲.

الفهوجی (علی عبدالقادر)، همان، ص ۲۲۵؛ ربیع (حسن محمد)، همان، ج ۱، ص ۲۹۶.

تام تحقق یابد و یا به صورت شروع به جرم) و در خصوص عمدی بودن این جرم، بین حقوقدانان اتفاق نظر وجود دارد. درباره جرم دوم که مورد نظر مجرم نبوده گرچه دیدگاه اکثر حقوقدانان این است که فاعل به عنوان مرتکب جرم تام غیر عمدی مورد تعقیب قانونی قرار خواهد گرفت<sup>(۱)</sup> اما به اعتقاد برخی استادان، جرم یاد شده (که در مثالهای قبلی، قتل عابر بود) ممکن است جرمی عمدی یا غیر عمدی باشد. در واقع، نوع این قتل بستگی به این دارد که فاعل هنگام ارتکاب رفتار مجرمانه می دانسته چنین نتیجه‌ای بر رفتارش مترتب خواهد شد یا خیر و اگر ترتب چنین نتیجه‌ای را ممکن می دانسته، وقوع آن را پذیرفته است یا خیر. چنانچه ظن غالب وی این بوده که نتیجه مزبور بر رفتارش مترتب خواهد شد و انسانی به قتل خواهد رسید، ولی با وجود این از اجرای تصمیم خود منصرف نشود جرم وی عمدی به شمار خواهد آمد؛ اما در صورتی که چنین نتیجه‌ای را پیش‌بینی نمی‌کرد و یا علی‌رغم پیش‌بینی، تصور می‌کرده که با توجه به احتیاطی که به کار بسته و یا با توجه به نادر بودن وقوع چنین نتیجه‌ای در شرایط موجود احتمال وقوع آن بسیار ناچیز است جرم وی غیر عمدی خواهد بود<sup>(۲)</sup>. که این دیدگاه با اصول پذیرفته شده در خصوص قصد مجرمانه انطباق بیشتری دارد.

## ۲. حالت همانندی

این حالت را برخی «اشتباه در جهت‌دهی رفتار»<sup>(۳)</sup>، برخی «انحراف از هدف»<sup>(۴)</sup>، برخی «اشتباه در شخص»<sup>(۵)</sup> و برخی حالت «همانندی موضوعات»<sup>(۶)</sup> نامیده‌اند. مراد از حالت مذکور این است که مجرم قصد کند رفتار مجرمانه خود را علیه

۱. ابو عامر (محمدزکی)، همان، ص ۱۹۳.

۲. محمد عوض (عوض)، همان، صص ۲۳۹ و ۲۴۰.

۳. نجیب حسینی (محمود)، همان، ص ۵۹۴.

۴. البراوی (محمد سامی)، همان، ص ۱۷۵؛ ربیع (محمد حسن)، همان، ج ۱، ص ۲۹۸؛ بکر (عبدالمهین)، الوسیط فی شرح قانون الجزاء الكويتی: القسم الخاص، کویت، جامعة الكويت، چاپ دوم، ۱۹۸۲، ص ۱۲۴.

۵. ابو عامر (محمدزکی)، همان، صص ۱۸۸ و ۱۸۹.

۶. محمد عوض (عوض)، همان، ص ۲۴۰.

شخصی مرتکب گردد اما در عمل، رفتار وی علیه انسانی دیگر واقع شود. بدین ترتیب در حالت مورد بحث، تجاوز نسبت به دو حق از یک جنس واقع می‌گردد.<sup>(۱)</sup> در خصوص این حالت، سه دیدگاه به شرح ذیل بین حقوقدانان دیده می‌شود:

طبق یک دیدگاه چنین خطائی، اثری بر قصد مجرمانه نداشته و جرمی که واقع شده عمدی خواهد بود.<sup>(۲)</sup> این دیدگاه در دکتورین کشورهای فرانسه<sup>(۳)</sup>، مصر<sup>(۴)</sup>، لبنان<sup>(۵)</sup>، لیبی<sup>(۶)</sup>، کویت<sup>(۷)</sup>، سوریه<sup>(۸)</sup>، امارات<sup>(۹)</sup> و نیز رویه قضائی فرانسه<sup>(۱۰)</sup>، مصر<sup>(۱۱)</sup> و سوریه<sup>(۱۲)</sup>، دیدگاه غالب به شمار می‌آید. در توجیه این دیدگاه گفته شده که: موضوع قصد مجرمانه، صرف نتیجه، یعنی مرگ مجنی علیه است و فاعل (در فرض مورد بحث) تمامی عناصر رکن مادی را که برای پدید آمدن نتیجه لازم بوده تحقق بخشیده است<sup>(۱۳)</sup>؛ اشتباهی هم که رخ داده نسبت به امری بوده که اساسی به شمار نمی‌آید و به همین دلیل، اثری بر قصد مجرمانه نخواهد داشت.<sup>(۱۴)</sup> علاوه بر

۱. همان.

۲. النبراوی (محمدسامی)، همان، ص ۱۷۵؛ العوجی (مصطفی)، القانون الجنائي العام، ج ۲، بیروت، مؤسسه نوفل، چاپ اول، ۱۹۸۵، ص ۳۹۵؛ ابوعامر (محمدزکی)، همان، ص ۱۸۹؛ عالیه (سمیر)، همان، ج ۱، ص ۲۳۸؛ عبدالملک (جندی)، الموسوعة الجنائية، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۷۶، ج ۵، ص ۷۰۵.

3. Garcon, Art. 295, No. 56; Garraud, I, No. 203; Vidal et Magnol, I, No. 184, p. 343;

۴. ر.ک: ابوعامر (محمدزکی)، همان، ص ۱۸۹؛ عبدالملک (جندی)، همان، ج ۵، ص ۷۰۵.

۵. ر.ک: العوجی (مصطفی)، همان، ج ۲، ص ۳۹۵؛ عالیه (سمیر)، همان، ج ۱، ص ۲۳۸.

۶. ر.ک: النبراوی (محمدسامی)، همان، ص ۱۷۵.

۷. بکر (عبدالمهمن)، همان، ص ۱۲۵.

۸. استانبولی (ادیب)، شرح قانون العقوبات، ج ۲، همان، ص ۱۱۰۷.

۹. ر.ک: ربیع (حسن محمد)، همان، ج ۱، ص ۲۹۸.

10. Cass. 18 Fevrier 1922. 1. 399, note Roux.

نقل از: نجیب حسنی (محمود)، همان، ص ۵۹۴.

۱۱. عبدالنواب (معروض)، قانون العقوبات سلفاً علیه باحکام محكمة التخص منذ انشائها، دارالرفاء، مصر، ۱۹۸۸، ج ۱، صص ۶۸۵ و ۶۹۰.

۱۲. استانبولی (ادیب)، همان، ج ۲، ص ۱۱۶۶.

۱۳. نجیب حسنی (محمود)، همان، ص ۵۹۶.

۱۴. بکر (عبدالمهمن)، همان، ص ۱۲۵؛ عالیه (سمیر)، همان، ج ۱، ص ۲۳۸.

این برای تحقق قصد مجرمانه، لازم نیست که ارادهٔ جانی در راستای تحقق نتیجه نسبت به موضوع معینی جهت گرفته باشد.<sup>(۱)</sup> طرفداران این دیدگاه را از جهتی می‌توان به دو گره تقسیم کرد: یک گروه بر این باورند که مجرم، صرفاً به علت ارتکاب جرمی عمدی علیه شخص ثالث قابل تعقیب و مجازات خواهد بود اما گروه دیگر معتقدند که در فرض مورد بحث، متهم، مرتکب دو جرم عمدی شده است. یکی شروع به قتل شخص مورد نظر و دیگری قتل عمدی شخص ثالث.<sup>(۲)</sup> طبق دیدگاهی دیگر، در فرض مورد بحث، مجرم نسبت به دو جرم، مسئول خواهد بود؛ یک جرم عمدی که به صورت شروع به جرم، نسبت به موضوع مورد نظر وی می‌باشد و دیگری جرمی غیرعمدی که علیه شخص ثالث واقع شده است زیرا سلب حیات شخص اخیر، مورد خواست فاعل نبوده و صرفاً در اثر بی‌احتیاطی یا بی‌دقتی وی، رخ داده است.<sup>(۳)</sup>

طبق سومین دیدگاه، جرم ارتكابی علیه شخص مورد نظر مجرم، جرمی عمدی خواهد بود که به اختلاف موارد ممکن است به صورت شروع به جرم یا جرم تام باشد و نسبت به شخص ثالث، جرم ارتكابی ممکن است عمدی باشد یا غیر عمدی؛ چنانچه مجرم هنگام ارتكاب رفتار مجرمانه و وقوع این نتیجه را پیش‌بینی کرده باشد جرم وی عمدی و در غیر این صورت، غیر عمدی خواهد بود. به عنوان مثال اگر مستخدم منزل به قصد کشتن صاحبخانه غذای وی را مسموم نماید و بداند که همسر صاحبخانه نیز از همین غذا خواهد خورد جنایت وی نسبت به همسر صاحبخانه، عمدی خواهد بود. همچنین در صورتی که شخصی به قصد کشتن دیگری به سوی وی تیراندازی کرده و بداند که دوست قربانی نیز در کنار وی در حال قدم زدن است و احتمال زیادی وجود دارد که تیر به وی اصابت کند، جنایت ارتكابی علیه این شخص نیز عمدی خواهد بود. چنانچه فاعل هنگام ارتكاب رفتار،

۱. ر.ک: محمد عوض (عوض)، همان، ص ۲۰۴.

۲. ر.ک: همان، صص ۲۴۰ و ۲۴۱.

۳. نجیب حسنی (محمود)، همان، ص ۵۹۵؛ الفهرجی (علی عبدالقادر)، همان، ص ۲۲۶؛ ربیع (حسن

محمد)، همان، ج ۱، ص ۲۹۸.

تحقق نتیجه دوم را پیش‌بینی نکرده و یا اینکه علی‌رغم پیش‌بینی، با توجه به احتیاط‌هایی که به کار برده است تحقق آن را امری بعید یا بسیار نادر می‌دانسته جنایت وی علیه شخص ثالث، غیر عمدی خواهد بود. مانند اینکه شخصی به قصد قتل دیگری که به تنهایی در خانه خود زندگی می‌کند شب هنگام وارد خانه‌اش شده و شیر گاز را باز کند اما اتفاقاً آن شب دوست صاحبخانه نیز در همان خانه خوابیده و هر دو در اثر نشت گاز فوت کنند. در چنین حالتی مجرم، مسئول دو جرم خواهد بود. یکی قتل عمدی صاحبخانه و دیگری قتل غیرعمدی دوست صاحبخانه.<sup>(۱)</sup> این دیدگاه با اصول حاکم بر قصد مجرمانه و واقعیات، انطباق بیشتری دارد.

ممکن است گفته شود که این دیدگاه، متناقض است زیرا طبق آن بر یک رفتار، دو نوع مسئولیت بار خواهد شد یکی عمدی و دیگری غیرعمدی؛ حال آنکه چنین امری با اصول حقوقی تعارض دارد زیرا طبق این اصول نمی‌توان یک رفتار را هم عمدی دانست و هم غیرعمدی. بلکه یا عمدی خواهد بود یا غیرعمدی. در پاسخ باید گفت که این اشکال، پذیرفتنی نیست زیرا «عمد» در معنای اصطلاحی خود، صفتی است که به جرم تعلق می‌گیرد نه به صرف رفتار. در واقع متصف شدن یک جرم به صفت عمدی یا خطئی بستگی به میزان علم مجرم نسبت به عناصر رکن مادی آن جرم و جهتگیری یا عدم جهتگیری اراده وی در راستای تحقق بخشیدن نتایج آن دارد. لذا عقلاً می‌توان پذیرفت که از رفتار واحد، نتایج متعدد و متفاوت پدید آید که برخی مشمول اراده وی بوده و برخی دیگر خارج از شمول این اراده باشند.<sup>(۲)</sup>

### گفتار چهارم: فقه

پیش از تبیین دیدگاه‌های فقها در خصوص فرض مورد بحث، به نظر می‌رسد که بیان ضوابط اقسام قتل از دید فقهای امامیه، امری اجتناب‌ناپذیر باشد. فقهای امامیه قتل را بر سه قسم می‌دانند. این سه قسم عبارتند از: عمد، شبه عمد و خطای محض.

۱. محمدعوض (عوض)، همان، صص ۲۴۲ و ۲۴۳.

۲. همان، ص ۲۴۳.

ضابطه قتل عمد این است که قاتل، هم قصد ارتکاب رفتار را داشته باشد و هم قصد نتیجه را و یا اینکه عمداً رفتاری را انجام دهد که غالباً کشنده است گرچه قصد نتیجه را نداشته باشد.<sup>(۱)</sup>

ضابطه قتل شبه عمد این است که جانی قصور رفتاری که غالباً موجب مرگ نمی شود را داشته باشد ولی قصد قتل نداشته باشد.<sup>(۲)</sup> ضابطه خطای محض این است که جانی نه قصد کشتن مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایقاع رفتار، علیه وی را. این دیدگاه را می توان به بسیاری از فقهای امامیه از جمله: ابوالصلاح حلبی<sup>(۳)</sup>، شیخ طوسی<sup>(۴)</sup>، قاضی ابن البراج<sup>(۵)</sup>، ابن ادریس<sup>(۶)</sup>، صهرشتی<sup>(۷)</sup>، ابن زهره<sup>(۸)</sup>، ابن حمزه<sup>(۹)</sup>، محقق حلی<sup>(۱۰)</sup>، یحیی بن سعید حلی<sup>(۱۱)</sup>، علامه حلی<sup>(۱۲)</sup>، شهید اول، شهید ثانی<sup>(۱۳)</sup>، محقق آبی<sup>(۱۴)</sup>، فاضل مقداد<sup>(۱۵)</sup>، صاحب

۱. نجفی (محمدحسن)، [صاحب جواهر] **جواهر الکلام**، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۸۱، ج ۴۲، ص ۳.
۲. طباطبائی (سیدعلی)، [صاحب ریاض] **ریاض المسائل**، بیروت، دارالهادی، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۰، ص ۳۷۴.
۳. الحلّی (ابوالصلاح)، **الکافی فی الفقه**، مکتبه امیرالمؤمنین (ع)، اصفهان، ۱۳۶۲، ص ۳۹۲.
۴. الشیخ الطوسی (محمدبن الحسن)، **المبسوط فی فقه الامامیه**، المکتبه المرتضویه، تهران، ج ۷، ص ۱۱۵.
۵. ابن البراج (الفاضی عبدالعزیز)، **المهذب**، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۲۵۶.
۶. ابن ادریس (محمد)، **السرائر**، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۲۱.
۷. صهرشتی (سلمان)، **اصباح الشیعه (سلسله البنایع الفقهیه)**، بیروت، دارالتراث و الدار الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق، ج ۲۲، ص ۲۹۷.
۸. ابن زهره (حمزه بن علی الحلّی)، **غنیة النزوع (سلسله البنایع الفقهیه)**، همان، ج ۲۴، ص ۲۴۳.
۹. ابن حمزه (محمد بن علی)، **الوسیله**، چاپ اول، مکتبه آیه الله المرعشی، قم، ۱۴۰۸ ق، ص ۴۲۶.
۱۰. محقق حلی (جعفر بن حسن)، **شرایع الاسلام**، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۲۲۸.
۱۱. ابن سعید (یحیی الحلّی)، **الجامع للشرایع**، مؤسسه سیدالشهداء (ع)، قم، ۱۴۰۵ ق، ص ۵۷۱.
۱۲. علامه حلی (حسن بن یوسف)، **تحریر الاحکام**، مؤسسه آل البيت، مشهد، چاپ سنگی، ج ۲، ص ۲۴۰.
۱۳. شهید اول (محمدبن مکی) و شهید ثانی (زین الدین العاملی)، **الروضة البهیة**، ج ۱۰، ص ۱۰۷.
۱۴. محقق آبی (حسن بن ابی طالب)، **کشف الرموز**، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۵۹۳.
۱۵. سیوری حلی (مقداد بن عبدالله)، **التقیح الرائع**، مکتبه آیه الله المرعشی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۴۰۵.

ریاض<sup>(۱)</sup>، فیض کاشانی<sup>(۲)</sup>، علی بن طحّی<sup>(۳)</sup>، صاحب جواهر<sup>(۴)</sup>، مامقانی<sup>(۵)</sup>، محمد حسین آل کاشف الغطاء<sup>(۶)</sup>، امام خمینی<sup>(۷)</sup>، حسینی شیرازی<sup>(۸)</sup> و موسوی سبزواری<sup>(۹)</sup> نسبت داد. بلکه به گفته برخی از بزرگان<sup>(۱۰)</sup>، درباره این ضابطه اختلافی بین فقهای امامیه وجود ندارد.

پس از بیان این مقدمه، به بررسی مسأله مورد بحث باز می‌گردیم. در خصوص این موضوع، دیدگاههایی به شرح ذیل از سوی فقها ارائه شده است:

۱) جنایت ارتکابی (علیه ثالث) از نوع خطای محض است. این دیدگاه تنها به شافعی‌ها<sup>(۱۱)</sup>، حنفی‌ها<sup>(۱۲)</sup>، حنبلی‌ها<sup>(۱۳)</sup>، زیدی‌ها<sup>(۱۴)</sup> و نیز برخی از فقیهان امامیه<sup>(۱۵)</sup> تعلق دارد، بلکه می‌توان آن را به تمام فقیهانی که نامشان در تبیین ضابطه

۱. صاحب ریاض، همان، ج ۱۰، ص ۳۷۴.
۲. فیض کاشانی (محمد محسن)، مفاتیح الشرایع، مجمع الذخائر الاسلامیه، قم، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۱۱.
۳. ابن طحّی (علی القفغانی)، الدر المنضود، مکتبه مدرسه امام العصر (عج) العلمیه، شیراز، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق، ص ۳۱۹.
۴. صاحب جواهر، همان، ج ۴۲، ص ۴ و ۳.
۵. مامقانی (عبدالله)، مناه المتقین، مؤسسه آل البيت، چاپ سنگی.
۶. آل کاشف الغطاء (محمد حسین)، اصل الشیعه و اصولها، دارالقرآن الکریم، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۸، ص ۲۲۶.
۷. امام خمینی (سید روح الله موسوی)، تحریر الوسیله، مکتبه الاعتماد، تهران، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۹۸، م ۷.
۸. حسینی شیرازی (سید محمد)، الفقه: الذیات، دارالقرآن الکریم، قم، ص ۶.
۹. موسوی سبزواری (سید عبدالاعلی)، مهذب الاحکام، دفتر آیه الله العظمی سبزواری، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ ق، ج ۲۹، ص ۶۳.
۱۰. ابن زهره، همان، ج ۲۴، ص ۲۴۳. صاحب ریاض، همان، ج ۱۰، ص ۳۷۴.
۱۱. الشریبئی الخطیب (محمد)، معنی المحتاج، دارالذخائر للمطبوعات، قم، ج ۴، ص ۴. عوده، عبدالقادر، همان، ج ۲، ص ۸۹.
۱۲. ابن عابدین، محمد امین، حاشیه ردالمختار، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ ق، ج ۷، ص ۹۵. الزحلی، وهبه، الفقه الاسلامی وادلته، دارالفکر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۹ ق، ج ۶، ص ۲۲۲.
۱۳. ابن قدامه (عبدالله بن احمد)، المعنی، دارالکتاب العربی، بیروت، ج ۹، ص ۳۳۹.
۱۴. السیاطی (احمد)، الروض النضیر، ج ۴، صص ۵۴۷ - ۵۴۹. نقل از: الحصری، احمد، السیاسة الجزائیه، دارالجیل، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ص ۱۹۷.
۱۵. اراکی (محمد علی)، استفتاات، نشر معارف، قم، چاپ اول، ۱۳۷۳، ص ۲۳۹.



قتل خطای محض ذکر شد (مگر آل کاشف الغطاء) نسبت داد. زیرا اگرچه غالباً فقیهان یاد شده فرض مزبور را به طور جداگانه مورد بحث قرار نداده‌اند اما عموم و کلیت ضابطه‌ای که برای خطای محض، ذکر کرده‌اند این فرض را نیز دربرمی‌گیرد.

۲) ماهیت عمل خطای محض اما در حکم شبه عمد است. استاد مرعشی شوشتری در این خصوص می‌فرماید: «قتل خطای محض آن است که فاعل، قصد ایراد فعل به مجنی‌علیه و قصد قتل او را به هیچ نحو از انحاء قتل (نه اصالتاً نه تبعاً نه به طور جزئی و نه به طور کلی) نداشته است مانند آنکه: ... قصد قتل انسان خاصی را دارد و تیر به انسان دیگری اصابت می‌کند بدون اینکه قصد قدر مشترک را داشته باشد. قتل در این ... مثال، موضوعاً خطای محض است هرچند ...، حکم شبه عمد را دارد.»<sup>(۱)</sup> مراد از «در حکم شبه عمد» بودن جنایت این است که گرچه جنایت ارتكابی، ماهیتاً خطای محض است اما واکنش شرعی آن، همان واکنش پیش‌بینی شده برای جنایات شبه عمد بوده و جانی باید خودش دیه جنایت را بپردازد نه عاقله‌اش.

۳) جنایت، شبه عمد است. این دیدگاه نیز به برخی فقهای امامیه تعلق دارد. آیه‌الله فاضل لنکرانی در پاسخ به استفتائهای ذیل، قتل را در فرض مورد بحث، از نوع شبه عمد دانسته‌اند.

«س ۱۹۲۱ - چنانچه به قصد قتل شخصی تیری را به سوی او پرتاب کند و تیر به مانع خارجی برخورد کرده و به شخص دیگری در آن حوالی اصابت کند و او را بکشد قتل واقع شده چه نوع قتلی است؟»

ج - شبه عمد است؛ چون با آلت قتاله و به قصد قتل زده است منتهی خطا رفته و دیگری را کشته است.»

«س ۱۹۲۴ - در صورتی که شخصی قصد کشتن محقون‌الدمی را دارد ولی به علت خطای در تیراندازی یا خطای در اصابت، شخص محقون‌الدم دیگری را

۱. مرعشی، سیدمحمدحسن، دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام، نشر میزان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳.

می‌کشد قتل واقع شده از چه نوعی خواهد بود؟

ج - ظاهراً از نوع شبه عمد است.<sup>(۱)</sup>

۴) خطای محض یا عمد: آقای عبدالقادر عوده به نقل از کتاب «المغنی» ابن قدامة حنبلی مدعی شده است که به اعتقاد برخی حنبلی‌ها چنانچه موضوع مورد نظر جانی به گونه‌ای باشد که ارتکاب رفتار علیه وی جایز بوده، جنایت واقع شده علیه شخص دوم، خطئی خواهد بود. اما اگر به گونه‌ای باشد که ارتکاب آن رفتار علیه او حرام بوده باشد جنایت ارتکابی، عمدی به شمار خواهد آمد.<sup>(۲)</sup> با وجود این، علی‌رغم وقت زیادی که جهت یافتن این سخن در کتاب المغنی صرف گردید چنین چیزی یافت نشد.

۵) چنانچه فرد مورد نظر جانی و شخص ثالث هر دو محقون الدم باشند جنایت علیه ثالث، عمدی خواهد بود اما اگر فرد مورد نظر جانی، مهدورالدم بوده و ثالث، محقون الدم، جنایت از نوع شبه عمد خواهد بود.<sup>(۳)</sup> این دیدگاه که به شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء تعلق دارد با ضوابطی که ایشان در خصوص جنایات شبه عمد و خطای محض بیان فرموده‌اند<sup>(۴)</sup> تعارض دارد و شاید بر همین اساس بوده که برخی از فقها<sup>(۵)</sup> آن را دیدگاهی مخدوش دانسته‌اند.

### گفتار پنجم: دیدگاه قانونگذار

قانونگذار پیش از انقلاب، نه به طور صریح و نه به طور ضمنی متعرض مسأله مورد بحث نشده بود. در سال ۱۳۶۱ قانونگذار پس از انقلاب در راستای اسلامی کردن قوانین کیفری اقدام به وضع بخش دیات قانون مجازات اسلامی نمود. بند الف ماده ۲ این قانون، در تبیین یکی از موارد پرداخت دیه مقرر داشته بود: «قتل یا جرح

۱. فاضل لنکرانی (محمد)، جامع المسائل، مطبوعاتی امیر، قم، چاپ اول، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۳۷ و ۵۳۸.

۲. عوده (عبدالقادر)، همان، ج ۲، ص ۸۹.

۳. آل کاشف الغطاء (محمدحسین)، همان، ص ۲۲۶.

۴. همان.

۵. مرعشی (سیدمحمدحسین)، همان، ص ۱۱۶.

یا نقص عضو که به طور خطاء محض واقع می‌شود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی‌علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقعه بر او را مانند آنکه تیری را به قصد شکاری رها کند و به شخصی برخورد نماید». مراد از عبارت «نه قصد فعل واقعه بر او را» این نیست که رفتار فاعل، غیر ارادی باشد زیرا طبق مبانی فقهی این ماده، رفتار فاعل در جنایات، چه عمدی باشد چه شبه عمد و چه خطای محض، باید ارادی باشد.<sup>(۱)</sup> در واقع مراد قانونگذار از عبارت لازمه خطای محض بودن جنایت این است که جانی نه قصد کشتن قربانی را داشته باشد و نه قصد ایقاع رفتار، بر وی را. با این توضیح، معلوم می‌شود که در فرض مورد بحث یعنی حالتی که کسی به قصد قتل شخصی، رفتاری انجام داده اما رفتار وی علیه شخص ثالثی واقع شده و حیات وی را سلب می‌نماید طبق بند الف ماده ۲ قانون دیات سال ۶۱ جنایت ارتكابی ماهیتاً خطای محض به شمار می‌آید. زیرا جانی، نه قصد کشتن ثالث را داشته و نه قصد ارتكاب رفتار علیه وی را. با وجود این، برخی از حقوقدانان بر این باور بودند که جنایت علیه ثالث، ماهیتاً عمدی است. از بین تمامی آنچه در بند الف ماده ۲ آمده بود تنها قسمتی که می‌توانست موجب پدید آمدن این شبهه گردد مثال مذکور در قسمت آخر آن بود که مقرر می‌داشت: «مانند اینکه تیری را به قصد شکاری رها کند و به شخصی برخورد نماید». برخی معتقد بوده و هستند که این قبیل مثالها که پس از یک ضابطه یا قاعده کلی می‌آیند قاعده مزبور را تخصیص می‌زنند.<sup>(۲)</sup> چنین استنباطی کاملاً خلاف قاعده تفسیری‌ای است که مقرر می‌دارد: «التمثیل لایوجب تخصیص العام»<sup>(۳)</sup> (یعنی: تمثیل، موجب تخصیص حکم عامی که قبل از مثال آمده است نخواهد بود). به بیان دیگر چنانچه حکمی کلی بیان شده و پس از آن، مثال یا مثالهایی ذکر شده باشد آن مثالها صرفاً از

۱. موسوی خوئی (سیدابوالقاسم)، *مبانی تکملة المنهاج*، ج ۲، بیروت، دارالزهراء، ص ۲۲۳.

۲. در خصوص اعمال این دیدگاه در استنباط از فتاوی معتبر ر.ک: معرفت (محمدهادی)، قتل عمد، شبه عمد و خطاء محض، فصلنامه حق، ۱۳۶۵، ش ۵، ص ۲۶. دلیر (حمید)، همان، ص ۱۱۳؛ توری (رضا)، همان، صص ۷۳ و ۷۴.

۳. شریف کاشانی (ملاحیب الله)، تسهیل المسالك الی المدارک، چاپ سنگی.

جهتی باید مورد توجه قرار گیرند که در حکم کلی آمده است. چنانچه مثال یا مثالها دارای ویژگیهایی باشند که در حکم کلی نیامده باشد نمی توان کلیت آن حکم را با این ویژگیها تخصیص زد.

در سال ۱۳۷۰ قانونگذار برای رفع اختلاف نظرها، علاوه بر ضابطه قتل خطای محض که در ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی وضع شده بود اقدام به وضع ماده ۲۹۶ نمود تا دیگر جایی برای برداشتهای مغایر با اراده قانونگذار باقی نماند. طبق این ماده «در مواردی هم که کسی قصد تیراندازی به کسی یا شیء یا حیوانی را داشته باشد و تیر او به انسان بی گناه دیگری اصابت کند عمل او خطای محض محسوب می شود». علی رغم صراحت ماده در خصوص خطای محض بودن جنایت مورد بحث، همچنان گروهی از نویسندگان و استادان از پذیرش دیدگاه قانونگذار ابا دارند. برخی<sup>(۱)</sup> معتقدند که ظاهر ماده، غیرمنطقی است و باید آن را مقید به حالت مهدورالدم بودن قربانی مورد نظر جانی نمود. این مدعا، هم با دقیق ترین اصول حقوق جزای عرفی (که در تبیین سومین دیدگاه موجود در کشورهای دیگر مطرح شد) تعارض دارد و هم با ضابطه خطای محض موجود در فقه که در بند الف ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی منعکس گردیده است. پیش از این دیدیم که هم در جنایات عمدی و هم در جنایات شبه عمد، جانی قصد ارتکاب رفتار مجرمانه علیه قربانی را دارد و صرفاً در مواردی که قصد ارتکاب رفتار علیه قربانی را نداشته باشد، جنایت وی از نوع خطای محض خواهد بود. بر همین مبنا تقیید حکم ماده ۲۹۶ به حالت مهدورالدم بودن قربانی مورد نظر، نیازمند دلیلی قانونی یا شرعی خواهد بود و چنین دلیلی وجود ندارد. بلکه آنچه از عبارت «انسان بی گناه دیگری»، مذکور در ماده ۲۹۶ استنباط می شود این است که جانی قصد کشتن انسان بی گناهی را داشته نه انسان مهدورالدم را.\* بنابراین با توجه به ماده ۲۹۶ می توان گفت که از دید قانونگذار

۱. زراعت (عباس)، همان، ص ۶۳.

\* این استظهار از قانون چندان معتبر به نظر نمی رسد، زیرا با توجه به اینکه شخص ثالث نیز می تواند به نوبه خود «مهدورالدم» باشد یا به هر علتی کشتن او جرم تلقی نشود، به نظر می رسد قانونگذار در این عبارت درصدد تبیین وضعیت شخص ثالث بوده است. [مجله حقوقی دادگستری]

کشورمان جنایت واقع بر شخص ثالث (در فرض مورد بحث) ماهیتاً خطای محض است. البته چنانچه جانی هنگام ارتکاب رفتار «می دانسته» که عملش علیه شخص ثالث واقع خواهد شد و یا اینکه «احتمال می داده» عملش علیه شخص ثالث واقع شود و با وجود این، نتیجه را پذیرفته باشد، می توان گفت که نسبت به مرگ ثالث نیز اراده داشته و در این حالت جنایت ارتكابی علیه ثالث، عمدی خواهد بود. در خصوص قربانی مورد نظر جانی نیز در هر حال، جنایت چه به صورت تام باشد و چه به صورت شروع، عمدی خواهد بود.

آخرین نکته‌ای که نیازمند بررسی است، واکنش قانونی مربوط به جنایت خطای محض علیه ثالث است. اصولاً طبق [بند الف ماده ۲۹۵ در چینی مواردی دیه پرداخت می شود که طبق] ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی، مسئول پرداخت دیه قتل‌های خطای محض، عاقله جانی است. با وجود این، طبق تبصره ۳ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی چنانچه جانی مرتکب تقصیر شده باشد خودش مسئول پرداخت دیه خواهد بود. بنابراین می توان گفت در فرض مورد بحث نیز که جانی بدو قصد قتل انسان بی‌گناهی را داشته، مقصر به شمار آمده و مسئول پرداخت دیه، خودش خواهد بود.\*

---

\* البته غیر از عدم تقصیر، در پرداخت دیه از جانب عاقله، ثبوت انتساب عمل به فرد باید از طریق بینه، قسامه یا علم قاضی باشد و الا در صورت ثبوت قتل از طریق اقرار یا نکول قسم در قسامه پرداخت دیه به عهده خود قاتل خواهد بود. [مجله حقوقی دادگستری]